

## عنوان مقاله:

مابعدالطبیعه عوام: پژوهشی در باب نقش دین در فلسفه شوپنهاور

## محل انتشار:

پژوهشنامه فلسفه دین، دوره 21، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

## نویسندگان:

امیرعباس سولی خانی - دانشجوی دکتری فلسفه دین، دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

هدایت علوی تبار - دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

آرتور شوپنهاور معمولا فیلسوفی ملحد و پوچ انگار دانسته شده است. این نظر گرچه نادرست نیست، تاکید بیش از حد بر آن موجب غفلت از بحث های دینی در فلسفه او شده است. در این مقاله، خواهیم کوشید تا جنبه های گوناگون دین شناسی شوپنهاور را بررسی کنیم. بدین منظور، پس از ذکر نکات مقدماتی، به خاستگاه های دین نزد وی می پردازیم و خواهیم دید که شوپنهاور منکر منشایی فراطبیعی برای دین است و ریشه های دین را در ملال انسان و میل او به جاودانگی جستجو می کند. سپس پیدایش ادیان تاریخی را بررسی می کنیم و روشن می سازیم که از نظر شوپنهاور همه ادیان در یک روند تدریجی از دو دین برهمنایی و بودایی منبعت شده اند و هر چه بهره بیشتری از این دو داشته باشند معقول تر هستند. در بحث از تقسیم بندی ادیان بزرگ خواهیم دید که شوپنهاور ادیان را به خوش بین و بدبین تقسیم می کند و علت گرایش او به ادیان هندی بدبین بودن آنها است. در ادامه جنبه های مثبت و منفی دین از نگاه شوپنهاور مد نظر قرار می گیرد. او اموری مانند تاجر را از معایب دین و مواردی مانند تسلی بخشی را از محاسن آن برمی شمارد. در پایان برخی انتقادات به دیدگاه های او در خصوص دین، از جمله عرفی سازی دین، مطرح می شود. مقاله حاضر نشان می دهد که به رغم ناسازگاری فلسفه شوپنهاور با آموزه های دینی، نظام فلسفی او، تا اندازه ای، متأثر از ادیان شرقی و مسیحیت زاهدانه است.

## کلمات کلیدی:

آرتور شوپنهاور، خاستگاه های دین، انواع دین، کارکردهای دین، بدبینی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1879363>

